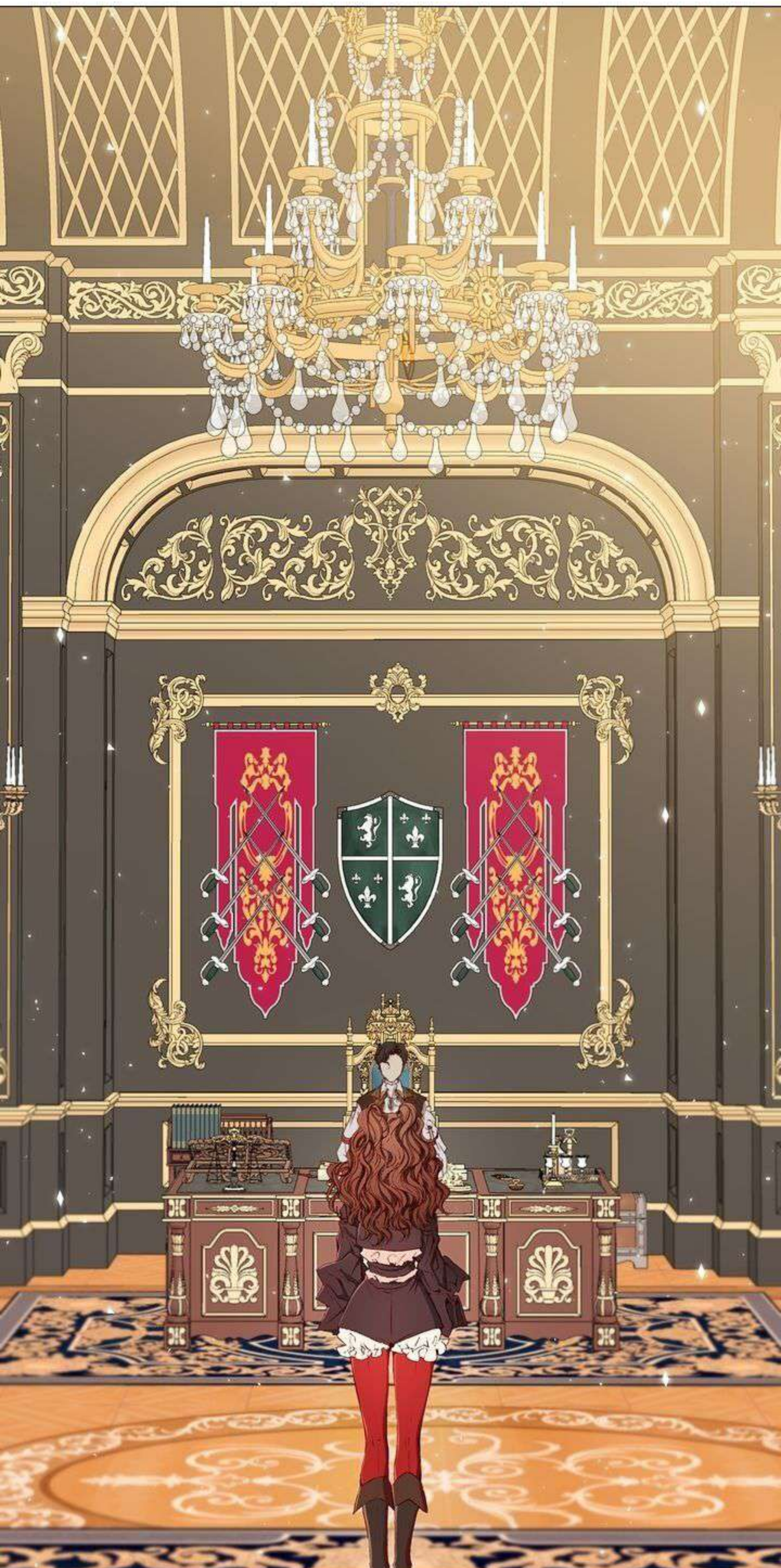


تیم

@manhwa_land

منہ بانو، رشتہ دہم



I Woke Up as the Ugly Duckling

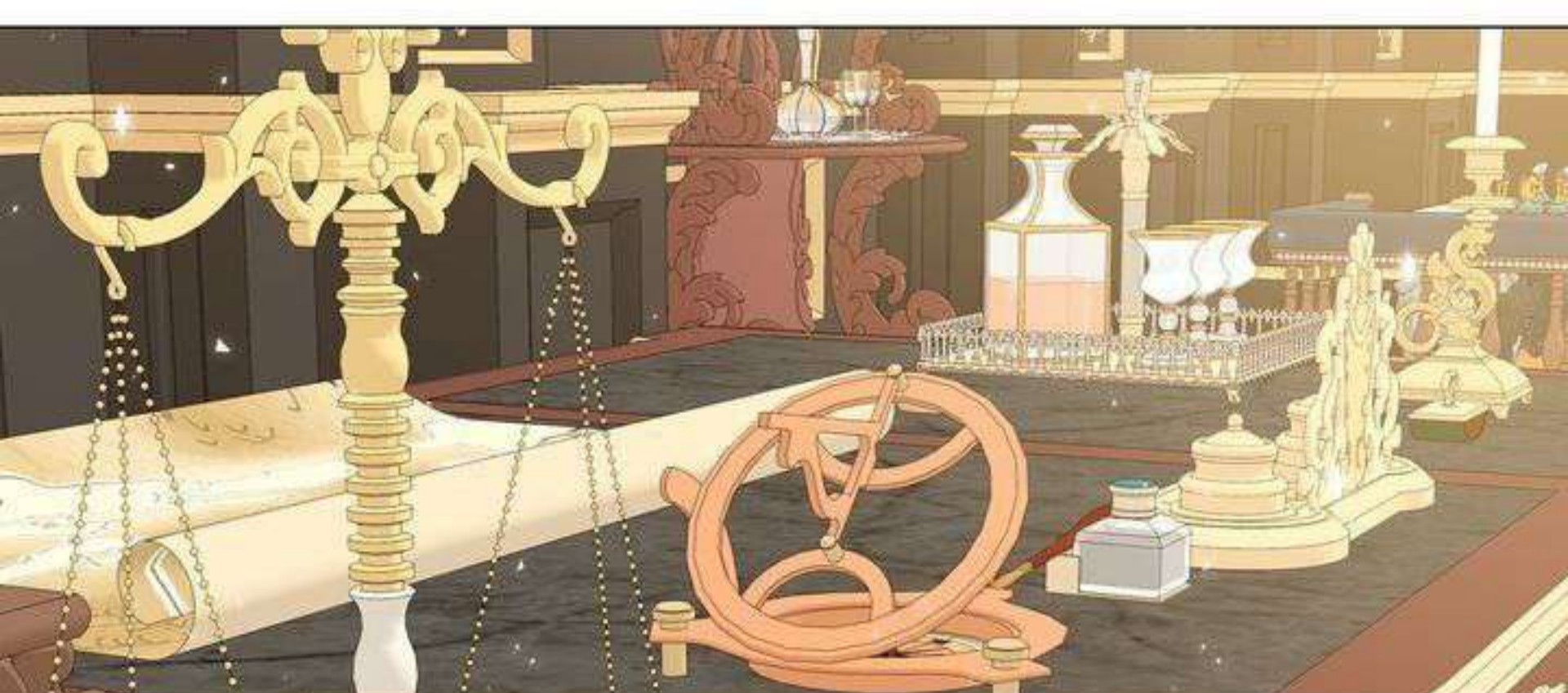
Comic kang seah
*
Original Novel JUNG HAIM

11



HMM

این دومین باریه که از
وقتی که سیلویا شدم
این بشر رو می بینم



واوو همه چی دقیقا
همونطور که بوده به
طور حتم هیچی تغیر
نکرده از وقتی که
آخرین بار اومدم اینجا



به هر حال این بشر خودش
منو کشونده اینجا
و بعدش همینطور منو
علاف اینجا نگه داشته
....چقدر رو عصابه
این بشر قصدش ترکوندن
منه منه دیگه اینطور
نیس؟

مجبور نبودین ازم بخواین
این همه راه پیام اینجا
تا تنبیهم کنین



ا.د اوہ خدا چشاش



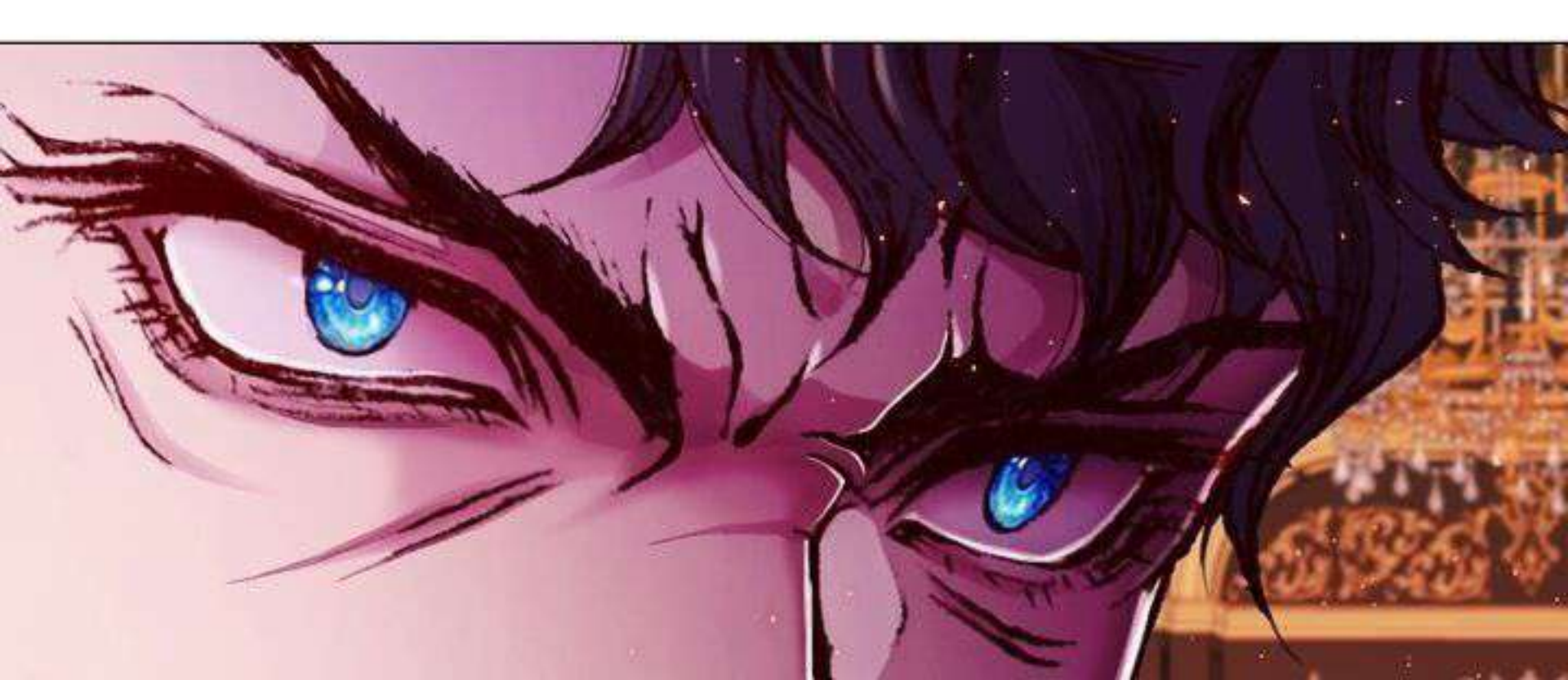


ازت خواسته بودم خودت
رو توی عمارت غربی
زندونی بدونی اما
تو خواستم نادیده گرفتی
و مقابل دستورم وایسادی

اه این طوره؟ اما مگه شما نبودى
که گفتی حبسم توی عمارت تا
موقعیه که بازوی آیلین خوب بشه



طبق اون چیزیم که من دیدم
بازوش کاملاً خوب شده بود





FLINCH

دوباره
این نگاه سرد...

مطمئنم اگه سیلویای
واقعی بود و نگاهش
به این چشم ها می خورد
مطمئنن از ترس می لرزید

اما من
اینجوری نیستم

دو تایی باهم می تونیم
این بازی رو انجام بدیم

CRR

چرا دیروز توی خیابون
پرتروم از آیلیین دفاع کردی؟



صبر کن بینم چی؟
شما از کجا درموردش
می دونین؟



اول جواب منو بده



انگاری نمی خواد جوابمو بده
که از کجا فهمیده هرچند
راحت میشه حدس زد
مطمئنم یه گروه داره که
براش مخفیانه اطلاعات
می برن

همه ی اشراف
یه سری کارمند
مخفی دارن که براشون
اطلاعات جمع میکنه
دوک اتالنت بالاترین مقام
رو توی اشراف داره نمی شه که
ازون گروه ها نداشته باشه

**اما همه چیز
داره جالب
می شه**



دارم می بینم انگاری
یه چیزایی مثله توجه دارین
بهم نشون می دین



وقتی دختر
واقعیت داشت
نا امیدانه برای
توجهت گریه می کرد تو
هیچ غلطی براش نکردی

اینجوری داره می کنه
به خاطر اینکه آخرین
بار بهش گفتم؟





شاید دختر بدرد نخور
و رقت انگیزی باشم اما
با این وجود هنوزم
دختر هستم

دقیقا نمی دونم اون
حرف ها چه قدر و
چه طوری روی این بشر
تاثیر گذاشته

.... اما با سوال الانش یعنی
ی توجهش بهم در حال
افزایش و بیش تر
شدنه



ازش دفاع کردم چون دوست داشتم
و خودم می خواستم اون دختر
خیلی خوب و فوق العاده ایه با
تموم اتفاقا اون خواهر کوچولوی با
ارزشه مننه

پس در مورد اون
پسره که از مردم عادی
بود و برداشتی اوردی
خونه چی؟



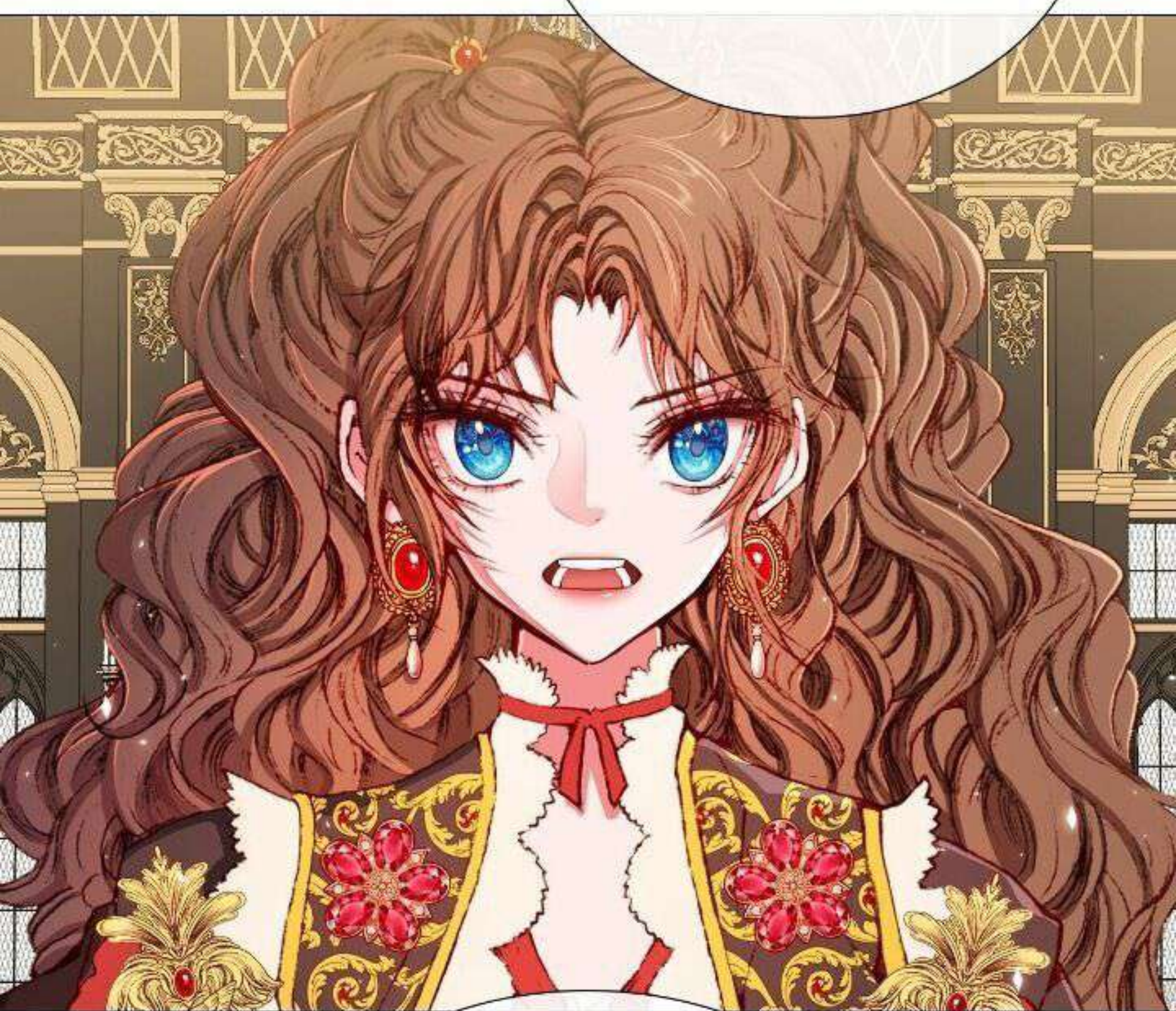


داشتم توی خیابون قدم
می زدم که دیدم یه گروه و دسته از گردن
کلفت ها دارن پسره بیچاره رو کتک می زنن
اون بچه آسیب دیده بود
نمی تونستم همین طوری اونجا ولش کنم
پس با خودم اوردمش خونه

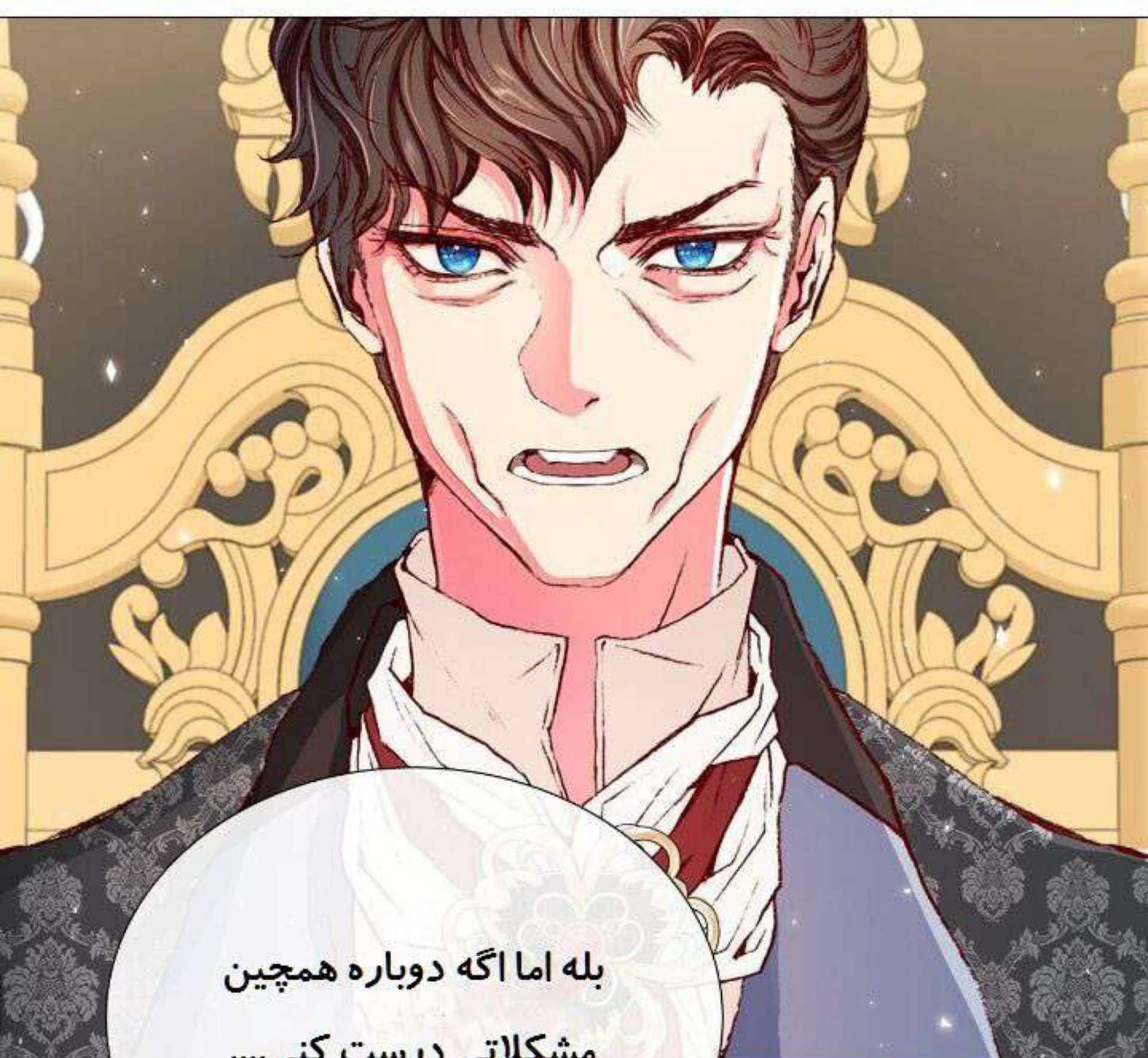


تازه ازینا گذشته
ما یه عالمه اتاق داریم
و فضا به اندازه ی یه پسر
کوچولو که بتونه توش بمونه هست

یه چیزیم هست که
من می خوام بپرسم



حالا که بازوی آیلین
بهتره بشده می تونم
فرض کنم که مدت
زندونی بودنم تموم شده ؟



بله اما اگه دوباره همچین
مشکلاتی درست کنی....

دیگه این کارارو نمی کنم
قصد ندارم دیگه کسی رو اذیت و آزار
کنم یا کسی رو تحریک کنم که
این مدل کار هارو انجام بده





در عوض ازتون می خوام که
پول هزینه هام رو قطع نکنین و
همینطورم سر کوچیک ترین
و یا هر مشکلی مدام منو به اینجا
احضار نکنین





می دونین چه احساس
به شدت داغون و
افتضاحیه که همیشه تحت
نظر باشی اصلا اینو
در نظر گرفته بودین؟



اگه چیز دیگه ای برای
گفتن ندارین
می تونم برم؟





باشه

می تونی بری



این دختره
واقعا تغییر
کرده

فکر می کنم از ماه گذشته
خیلی ساکت و
آروم شده به هیچ
خدمتکاری آسیب نزده

و حتی شب و روز غذا
خوردن و پر خوری
رو متوقف کرده حتی
ظاهرشم خیلی تغیر کرده و
همه ی این اتفاقا
خیلی ناگهانی و یه
دفعه ای بوده...





چقدر عجیب اما
هر چیزی که اتفاق میفته
یه دلیلی داره تغیر کردن
این بچه حتما یه دلیلی داره



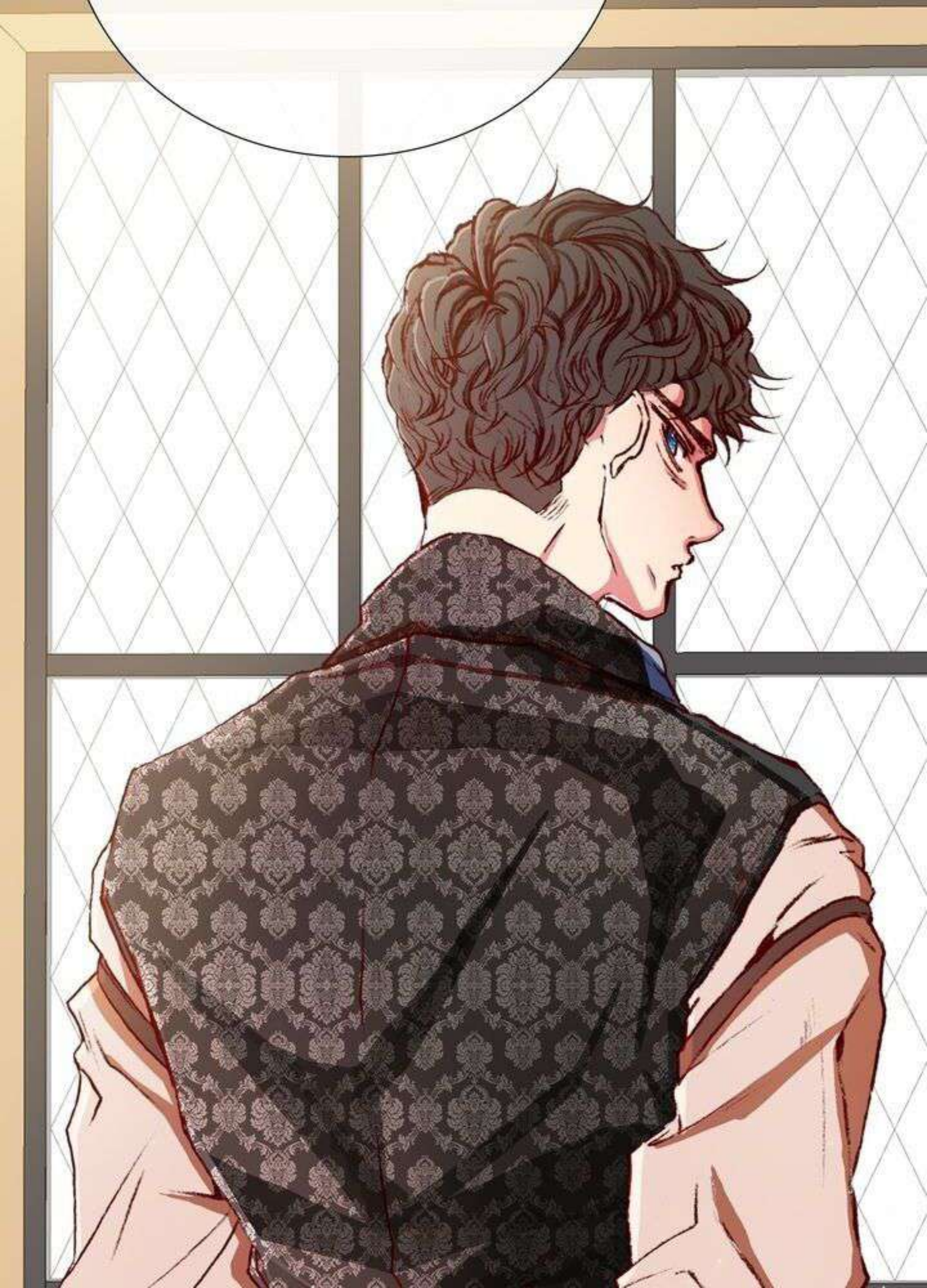
ونت



بله آقا



ین اواخر بیشتر تحقیق کن
تا بفهمی ماه قبل چه اتفاقی برای
سیلویا افتاده...





و چرا انگار به شخص
کاملاً متفاوت از قبل شده



بله آقا

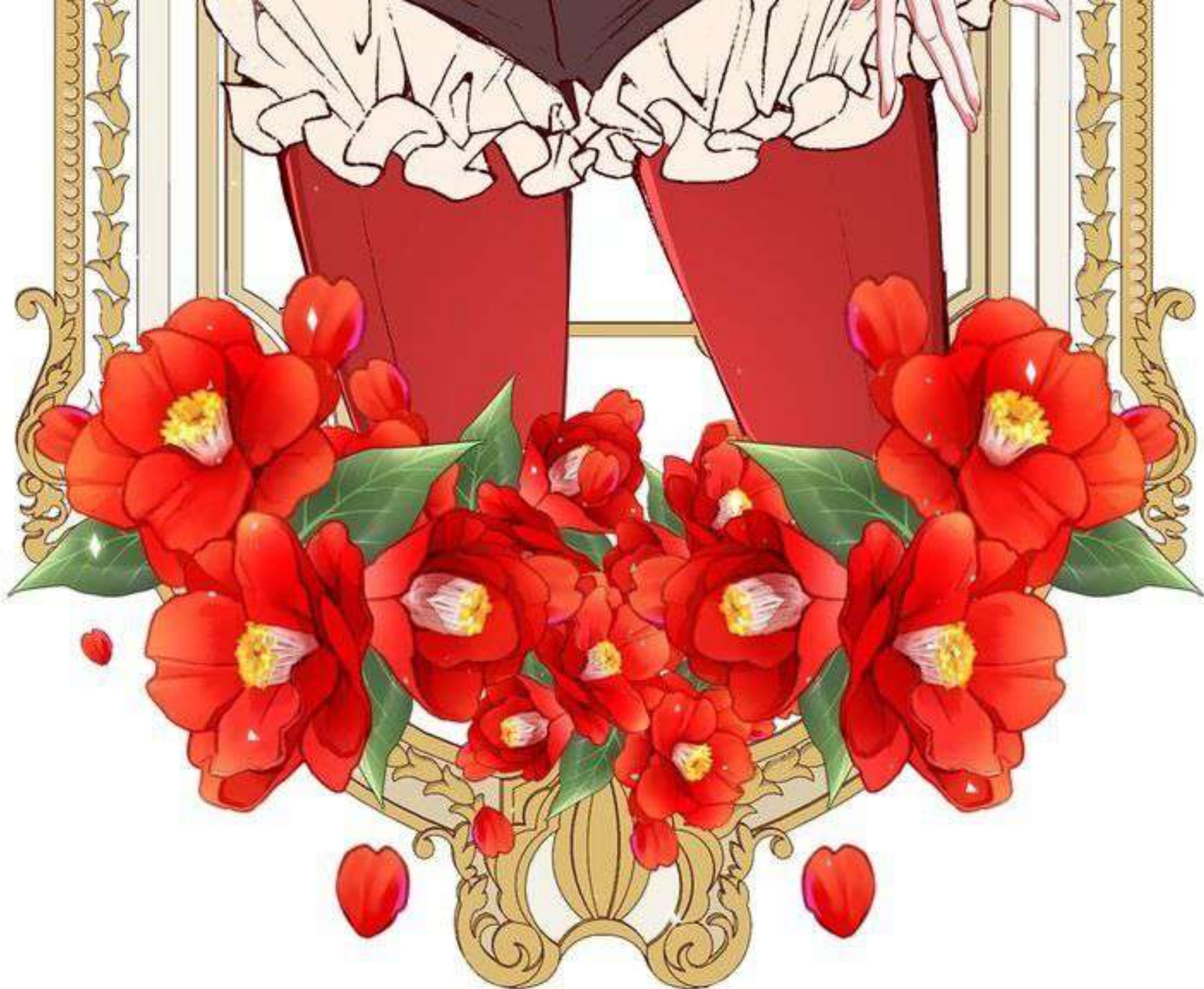


علاوه بر اون

سیلویا رو به
عمارت اصلی
برگردون...









مترجم parpari

ادیتور oniws

کانال ما

@manhwa-land

کپی در هر صورت ممنوع

برای حمایت از ما عضو کانال ما بشین